

## بهشت معتادان کابل

در این بهشت جدید معتادان، خفت و رقتی را می‌توان دید که تصورش سخت است. اعتیاد به مواد مخدر در افغانستان، پدیده‌ی تازه‌ای نیست. سالهاست این کشور تولیدکننده‌ی دو سوم هرویین جهان بوده است و مسیر اصلی قاچاق به شرق اروپا و روسیه محسوب می‌شود. با این وجود، همزمان با خروج نیروهای خارجی از این کشور، مشکلی جدید در این کشور رخ نشان داده است. در سال 2005، 130000 معتاد به هرویین در افغانستان وجود داشت. امروز این تعداد به یک میلیون و سیصد هزار نفر رسیده است.

در سال 2013 شاهد رکوردشکنی در برداشت تریاک بودیم. در این سال میزان تریاک برداشت شده به پنج میلیون و پانصد هزار کیلو رسید. طالبان که از گذشته‌ی دور با تجارت تریاک یا مالیات‌گیری از کشت‌کنندگان این محصول کسب درآمد کرده، از این موضوع منافع زیادی بدست آورده است. به مدد این دوپینگ مالی، آنها اخیراً بسیار جسورتر شده‌اند و حتی به کابل حمله می‌کنند. در عین حال، با کاهش کمک‌های خارجی به افغانستان و خروج تدریجی NGOها از این کشور، هزاران نفر در حال افتادن در دام اعتیادند.

در سه سال گذشته، معتادان در پی تخریب یک مرکز فرهنگی قدیمی شوروی که به پناهگاه معتادان بدل شده بود در سطح شهر کابل پخش شده بودند. حالا معتادان جایی جدید برای خود یافته‌اند. در بخش غربی شهر، در سایه‌ی "پل سوخته"، شهرکی از معتادان، فروشندگان مواد مخدر و مجرمان شکل گرفته است.

در این بهشت جدید معتادان، خفت و رقتی را می‌توان دید که تصورش سخت است. بویی که از نشه‌های جنازه‌گون متصاعد می‌شود به خودی خود غیرقابل تحمل است. هر روز که گذرتان به اینجا بیافتد، حداقل دو هزار معتاد را می‌توانید ببابید. از مجرمان سابقه‌دار تا جوانان بیکار و کهنه‌سربازان را می‌توان اینجا دید. غریبه‌ها را با تهدید و خشونت از اینجا بیرون می‌اندازند. از دست پلیس هم کاری برنمی‌آید.



تجهيزات یکی از معتادان پل سوخته برای استعمال هر بین



Faradeed.ir

تصویری عادی از زیر پل سوخته در غرب کابل. معتادان در اینجا در میان زباله و فضولات انسانی زندگی می‌کنند. تا چندماه دیگر به خاطر بارانهای زمستانی و پر شدن رودخانه، این مکان دیگر قابل استفاده برای معتادان نخواهد بود و آنها مجبورند دوباره پراکنده شوند.



عبدل رحمان غدل، یک معتاد به هرویین است. در زمان طالبان (1996-2001) او، در 14 سالگی، به همراه خانواده به ایران فرار کردند تا از بند محرومیت‌های شدید طالبان بگریزند. وقتی که جامعه ایران، آنها را به عنوان پناهندگانی بی‌سواد پس زد، آنها به خیابان زدند و از طریق کارهای مجرمانه و هر کار سطح پایینی که گیرشان می‌آمد، ارتزاق می‌کردند. یک دوست خیابانی اولین بار در 16 سالگی او را با هرویین آشنا کرد و تا امروز که 29 سال دارد معتاد است. خانواده‌اش او را ترد کردند و به تهران رفتند. او در سال 2003 به کابل بازگشت. او از ضعف شدید اعتماد به نفس رنج می‌برد و رنج و بدبختی زندگیش را به عدم توانش در ترک نسبت می‌دهد.



از چپ به راست: امال، اجمل و وحید؛ آنها دو هفته است که با هم در یک چادر زندگی می‌کنند.



نمایی از پل سوخته؛ این شهرک غیررسمی لجنزاری از سوزن و چشمان قرمز است. در بالای پل سوخته زندگی عادی جریان دارد.







بلال، 18 ساله، در حال آماده شدن برای مصرف تریاک در نزدیکی استادیوم المپیک در شمال کابل. پس از آنکه وی در سال 16 سالگی از ناحیه پا دچار آسیب دیدگی شد، صاحب کارش او را با مواد مخدر، به عنوان آرامبخش، آشنا کرد. وقتی خانواده، متوجه اعتیادش شدند، او را از خانه بیرون کردند. از آن زمان او به پایتخت آمده و در خیابانها سعی می‌کند، خود را زنده نگاه دارد. او احساس می‌کند جامعه او را فراموش کرده و به خاطر نداشتن سواد و ارتباط نمی‌تواند کار پیدا کند.



Faradeed.ir

اجمل، 32 ساله، 18 سال است که اعتیاد دارد. او وقتی که برای فرار از دست طالبان به ایران پناه برده بود، هروینی شد. امال (راست)، 20 ساله، پس از مرگ والدینش در سال گذشته، جذب گروههای مجرم در کابل شد. این دو برادر که در ژانویه امسال دوباره در کنار هم قرار گرفتند، با گدایی روزگار می‌گذرانند. اجمل، امال را از دنیای جرم بیرون کشید و او را متقاعد کرد تا به جای تزریق به هرویین را دود کند. او ادعا می‌کند که مصمم است به خاطر برادرش، مواد را ترک کند.



معتادان در محوطه بیرونی استادیوم المپیک کابل، از آفتاب پناه گرفته‌اند.



وحید، 53 ساله، 23 سال است که به هرویین اعتیاد دارد. او به اتفاقی از هرویینی‌های دیگر در استادیوم مشغول استعمال هرویین به روش‌های مختلف هستند. او 9 سال در ایران پناهنده بوده است.



معتادان در حال ترک در مرکز توانبخشی دولتی "جنگلک" واقع در کابل. اینجا یکی از تنها نهادهایی در این شهر است که چنین خدماتی ارائه می‌کنند. این مرکز میزبان 300 بیمار است. برنامه ترک مواد در این مرکز سه هفته طول می‌کشد، و در طول این مدت به بیماران غذا، دارو و لباس داده می‌شود. اگرچه بسیاری از کسانی که در این مرکز بستری هستند، بسیار مشتاق به نظر می‌رسند، ولی میزان بازگشت دوباره به مواد در میان افرادی که از اینجا مرخص می‌شوند بسیار بالاست.



Faradeed.ir

غلام خان یک سرباز ارتش ملی افغانستان است. او از یک تیراندازی شدید در استان هلمند جان سالم به در برد. او از بیماران مرکز توانبخشی جنگلک است و جای جراحات خود را به ما نشان داد. یکی از اصلیترین دلایلی که برای میزان بالای اعتیاد در افغانستان ذکر می‌شود، آسیب‌های ناشی از جنگ است. غلام خان همچنان از دردی که جراحاتش برایش ایجاد می‌کند رنج می‌برد و مدعی است که مواد مخدر تنها تسکین بخش اوست. خانواده‌اش او را رها کرده‌اند و جراحاتش باعث شده نتواند به راحتی شغلی بیابد.



غلام خان



فاروق، 5 ساله، از سندروم پرهیز نوزادی رنج می‌برد. دلیل ابتلای او به این سندروم، مصرف هرویین توسط مادرش در دوران بارداری بوده است. این سندروم باعث ایجاد معلولیت‌های اعصاب، و عوارض دردناکی همچون تب، تشنج، اسهال و استفراغ در فاروق شده است.



"نیروی واکنش سریع ضد مواد مخدر" در حال انجام مانور. متأسفانه خود نیروی پلیس افغانستان شدیداً به فساد آلوده است. از طرفی یک بررسی از سوی سازمان ملل متحد در سال 2012 نشان داد که 41 درصد نیروهای پلیس افغانستان، مواد مخدر مصرف می‌کنند.





ماموران پلیس در حال اجرای مانور



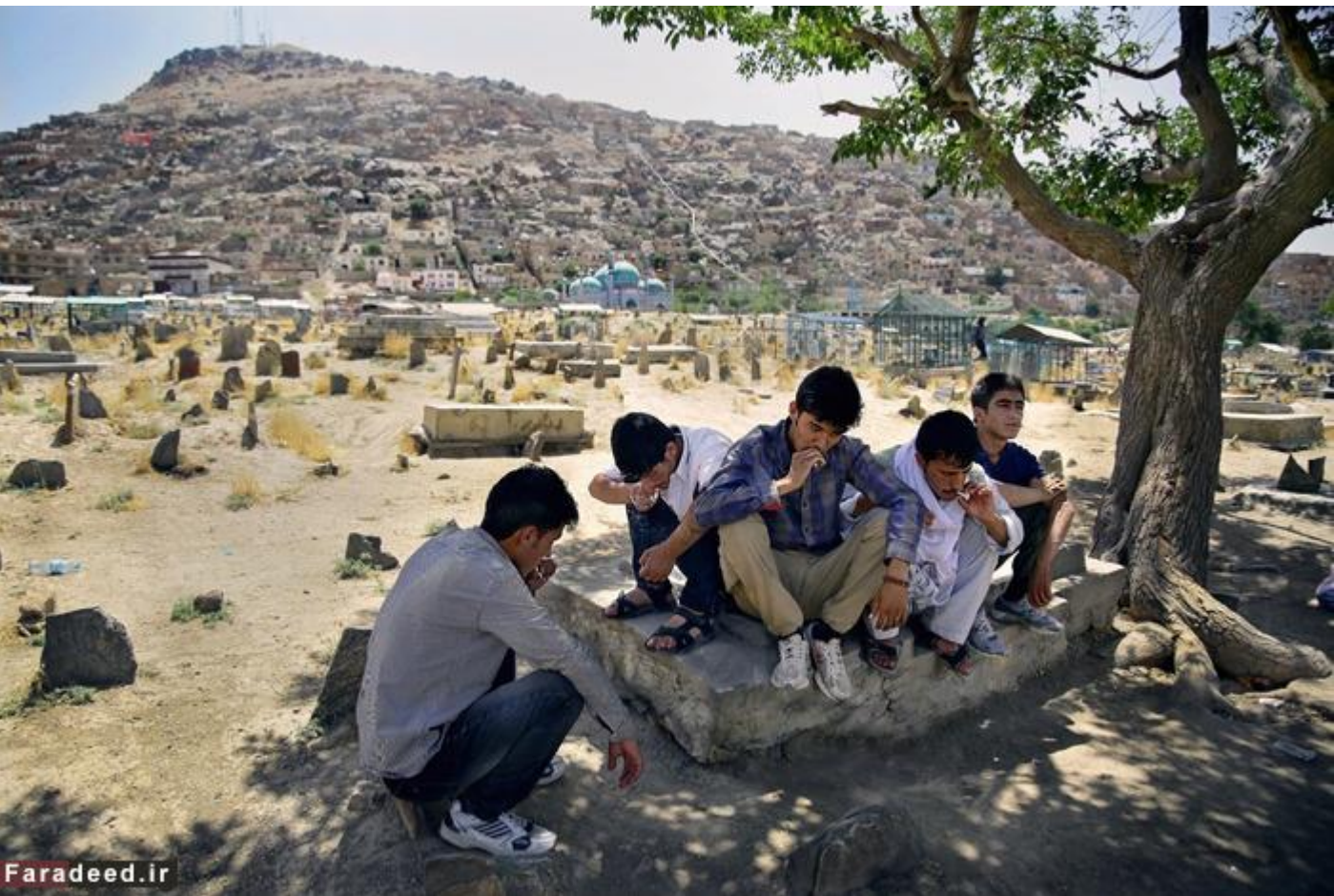
امیر شاه، یکی مسئولان ارشد در امر آموزش ماموران نیروی واکنش سریع ضد مواد مخدر است. او می‌گوید: "ما سه جرم عمده داریم: مواد مخدر، فساد، و تروریسم. مهمترینشان مواد مخدر است، چرا که فساد در ادارات و تروریسم به مدد آن است که فرصت ادامه حیات می‌یابند." مسئولان ارشد دولتی، از جمله برادر حامد کرزای، به حضور در این صنعت دو میلیارد و ششصد میلیون پوندی متهم شده‌اند.



هر ساله، 600 مامور مرد و 30 مامور زن پس از شش ماه آموزش از آکادمی پلیس کابل فارغ التحصیل می‌شود.



عبداله، 36 ساله، 19 سال است که به هرویین و تریاک معتاد است. با وجود داشتن همسر و پنج فرزند در جلال آباد، او در پنج تلاشی که برای ترک داشته است، ناموفق بوده است. او علت عدم موفقیتش را نبود فرصت شغلی مناسب می‌داند.



گروهی از جوانان بیکار در حال حشیش کشیدن در قبرستان "کارت ساخی". آنها نبود فرصت شغلی مناسب را مهمترین مانع برای ترک می‌دانند: "بلایی که جنگ بر سر اقتصاد و جامعه ما آورده، دلیل روی آوردن ما به این است. شغل و پول در استانهای خودمان وجود ندارد." بر اساس گزارش سازمان ملل در سال 2013، تجارت غیرقانونی مواد مخدر، 23 درصد از تولید ناخالص ملی افغانستان را تشکیل می‌دهد و یک ستون حیاتی برای اقتصاد فلج شده این کشور محسوب می‌شود.



اجتماعی که زیر پل سوخته شکل گرفته، روز به روز شکل پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. با وجود این شرایط اینجا مضمئن‌کننده است، یک بازار موقت در آن شکل گرفته است. با آمدن زمستان، باران و آبدار شدن رودخانه، اجتماع معتادان دوباره در سطح شهر پراکنده خواهند شد.



یک معتاد در حال مصرف تریاک



حسیب الله می‌گوید: "اینجا جهنم است. ما میان خاک و گه می‌خوابیم. همه همیشه در حال دعوا هستند، اما به محض اینکه تزریق می‌کنند به خواب می‌روند، می‌افتند و یادشان می‌رود کجا هستند. وقتی کسی می‌میرد، دولت می‌آید و جسدش می‌برد و نگه می‌دارد تا خانواده‌اش برای بردنش بیاید. اینجا دستیار دکتر هست، فارغ التحصیل دانشگاه هست، سرباز سابق هست—آنها مشکل خانوادگی دارند، عزیزی را در جنگ از دست داده‌اند، مشکل اقتصادی دارند. بعضیشان زمانی پولدار بودند. آنها تقنی شروع کردند و حالا نمی‌توانند مواد را کنار بگذارند.

**\*عکس و گزارش از: Souvid Datta**

**مرجع: فرادید**